

جلوه‌هایی از تجلی قرآن در قصیده الاشباه مفتح بصری

دکتر سید مرتضی حسینی

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

چکیده

پر واضح است که ادبیات عربی در پرتو قرآن کریم، تعالی یافته و به فضل این کتاب مقدس از سرآمدترین ادبیات جهانی شمرده می‌شود. تاثیر الفاظ و معانی قرآن کریم بر آثار شاعران و ادیبان مسلمان پیوسته مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این میان ابوعبدالله محمد بن احمد بن عبدالله ملقب به مفتح بصری در گذشته به سال ۳۲۷ هـ.ق از شاعران برجسته و متعهد شیعی مذهب عصر عباسی دوم (قرن چهارم) در عرصه ادبیات متعهد به دلیل سرایش قصیده ای معروف به الاشباه، چونان ستاره‌ای در آسمان شعر عربی می‌درخشد. با نگاهی گذرا به این قصیده ۱۶۰ بیتی، مشخص می‌گردد که شاعر با قرآن کریم انس بسیار داشته و در جهت بیان فضایل مولای متقیان علی علیه السلام به صورتهای گوناگون از قبیل تلمیح، اقتباس و تضمین از نورانیت آیات کریمه بهره‌ها برده است. این پژوهش به منظور بیان انعکاس و تجلی آیات قرآن کریم در قصیده الاشباه صورت گرفته و به ترجمه و تحلیل ابیات و آیات می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، حضرت علی علیه السلام، مفتح بصری، قصیده الاشباه.



مقدمه

در پرتو قرآن کریم پس از ظهور اسلام، در قلمرو فرهنگ و ادبیات عربی، تحول عظیمی رخ داد و معجزه جاوید اسلام همواره الگوی شاعران و ادیبان قرار گرفت. بیشترین نمود تاثیر قرآن در آثار عصر عباسی - عصر طلایی ادبیات عربی - است. قصیده الاشباه مفتح بصری شاعر متعهد شیعی مذهب عصر عباسی دوم (ف ۳۲۷هـ) نمونه بارز این امر است، چرا که به دلیل الهام از مضامین و معانی قرآن کریم، سرشار از تاثیر پذیری از آیات شریفه و درون مایه های وحیانی درباره فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. با این حال، این امر آنگونه که سزاوار است مورد تحقیق و توجه قرار نگرفته است. در این نوشتار به گونه تحلیلی - توصیفی به بررسی برخی ابیات قصیده و آیات راه یافته در آن می پردازیم.

زندگانی شاعر

ابوعبدالله محمد بن احمد بن عبدالله، ادیب، شاعر، کاتب، نحوی و زبان شناس برجسته شیعی اهل بصره، ملقب به «مفتح» است^۱ برخی منابع، دلیل این لقب را، سرودن اشعار در باره اهل بیت علیهم السلام و زاری شاعر بر مصائب و مظلومیت ائمه اطهار علیهم السلام می دانند^۲ و به عقیده برخی منابع، سرودن بیت زیر سبب شد به مفتح ملقب گردد: ^۳

إِنْ كَانَ قَيْلَ لِي الْمَفْجَعُ نُبْزًا أَفَلَعُمْرِي أَنَا الْمَفْجَعُ هَمًّا

اگر چه مرا از جهت لقب زشت دادن و عیبجویی، مفتح می خوانند، ولی به جانم سوگند که من به خاطر حزن و اندوه [از ستمی که در حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روا می شود] مفتح (درد کشیده و زاری کننده) هستم. کتب مختلف به امامی بودن او صراحت دارد و او را شیعه ای آتشین طبع معرفی می کند: «شاعری نوآور و بزرگ، و شیعه ای دلسوخته و آتشین طبع



است»^۴ بهترین و بارزترین دلیل بر این امر، «قصیده الأشباه» اوست که شاعر در آن به بیان فضایل و مناقب علی علیه السلام پرداخته و به موضوع امامت و ولایت و جانشینی حضرت علیه السلام تأکید می‌ورزد.

مفجع از جایگاه علمی و ادبی رفیعی در عصر خود برخوردار بوده، چرا که وی شاعر و ادیب و کاتب بصره و قائم مقام ابن دُرید (ف ۳۲۱هـ) در تالیف و املاء و تعلیم شعر و لغت، پس از وفات او بوده است.^۵ این شخصیت برجسته عصر عباسی و میراث کهن ادبی و تاریخی و مذهبی او که سرشار از حبّ اهل بیت علیهم السلام است، چنانکه شایسته اوست به محافل ادبی و پژوهشی معرفی نشده و جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده است.

منابع ادبی و تاریخی و شرح حال، درباره مفجع بصری به صورت موجز و خلاصه، سخن به میان آورده، که در قیاس با چنین ادیب و شاعر و حدیث دان و زبان شناس سرآمدی، ناچیز است. علت اصلی این امر شاید التزام وی به اهل بیت علیهم السلام باشد که در نتیجه آن، دستگاه حاکم عباسیان و اغراض سیاسی، باعث شده تا نام او در مصادر و منابع، محو و یا کمرنگ گردد؛ چرا که قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری، تعصب و ظلم عباسیان به خاندان علوی و دوستداران ایشان به اوج خود رسیده بود.^۶

«قصیده الاشباه» از روانی، شیوایی، آهنگ زیبا و مضامین ارزشمند قرآنی و حدیثی برخوردار است و شاعر در آن به بیان فضایل مولای متقیان علی علیه السلام می‌پردازد و آن حضرت را با استناد به «حدیث نبوی معروف تشبیه یا اشباه»، جامع صفات و شبیه پیامبران الهی علیهم السلام معرفی می‌کند.^۷

شاعر، بیش از هر چیز از قرآن و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله تأثیر گرفته است. تاثیر آیات بر قصیده وی هم در بُعد ساختاری و هم در بُعد مضمونی کاملاً مشهود است.



قصیده الاشباه نماینده بارز شعر دینی و متعهد به ویژه در عصر عباسی دوم است. مهمترین هدف و انگیزه شاعر در کنار تیرگ جستن به آیات الهی، استشهاد به آن برای اثبات عقیده و نظر شیعه است. تبلور آیات قرآنی با آن صنایع لفظی و معنوی و آن مفاهیم والا باعث غنای خاص قصیده شده است.

شواهد تجلی آیات قرآن کریم در قصیده الاشباه

در اینجا به بررسی مجموع آیات و مضامین قرآنی مورد اقتباس شاعر که در برخی ابیات نمودی آشکار دارد می‌پردازیم:

أَبْخَيْرِ الْأَنْامِ عَرَضَتْ لَا زَلٍ سَتَ مَذُودًا عَنِ الْهُدَى مَرْوِيًّا

آیا تعریض و کنایات را متوجه برترین خلق خدا می‌نمایی؟!

باشد که همیشه از نور هدایت الهی دور باشی!

بیت مذکور به آیه کریمه «خیر البریه»: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ (البینة: ۷) یعنی: «کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقند» اشاره دارد. این مطلب که علی علیه السلام مصداق بارز این آیه و از بهترین خلق است، در تفاسیر اهل سنت به طرق مختلف در ذیل این آیه وارد شده است: «ابن عباس می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: مراد از این آیه، تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می‌شوید، در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است»^۸

كَانَ فِي عِلْمِهِ كَادِمٌ إِذْ عُلِّمَ شَرَحَ الْأَسْمَاءِ وَالْمَكْنِيَّا

علم علی علیه السلام به مانند علم آدم علیه السلام است،



زمانیکه به او شرح اسماء الهی و آنچه از او پوشیده بود، آموخته شد.

این بیت با اقتباس از آیه کریمه: ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (البقره: ۳۱) یعنی: «سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را همگی، به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!» سروده شده است.

همچنین در آیه شریفه: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (الرعد: ۴۳) خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله تسلی می‌دهد که اگر کافران می‌گویند تو پیامبر نیستی، به آنان بگو دو شاهد دارم که مرا کفایت می‌کنند: الله و کسی که علم الکتاب در نزد اوست. بسیاری از روایات اهل سنت، دلالت دارد که شاهد دوم یعنی آن کسی که صاحب علم کتاب است، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که این خود از علم بسیار زیاد آن حضرت است.^۹

توجه فرمایید که امیرالمؤمنین علیه السلام در این آیه صاحب علم کتاب معرفی شده و این در حالی است که قرآن کریم در سوره نمل آیه چهل شخصی از یاران سلیمان علیه السلام را به عنوان صاحب جزئی از علم کتاب معرفی نموده و بیان می‌دارد که وی توانست تخت سلطنتی ملکه سبا را در یک چشم بر هم زدن از یمن به بیت المقدس بیاورد و علی بن ابی طالب صاحب تمام این علم است.^{۱۰}

و كُنُوحٍ نَجَّى مِنَ الْهَلْكِ مَنْ سَيَّءَ
رَفَى الْفُلْكِ إِذْ عَلَا الْجُودِيَا

علی علیه السلام مانند نوح پیامبر علیه السلام سواران بر کشتی را از نابودی رهانید، آنگاه که بر کوه جودی بالا رفت.



بیت فوق برگرفته از آیات: ﴿وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ﴾ (هود: ۴۴) یعنی: «و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت» و ﴿فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ﴾ (المومنون: ۲۸) یعنی: «هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید...» است.

لَهُ مِنْ أَبِيهِ ذِي الْأَيْدِي إِسْمَاعِيلَ شَبَهُهُ مَا كَانَ عَنِّي خَفِيًّا
إِنَّهُ عَاوَنَ الْخَلِيلَ عَلَى الْكَعْبِ بَةَ إِذْ شَادَ رُكْنَهَا الْمَبْنِيًّا

علی علیه السلام برای پدر توانمندش ابوطالب علیه السلام به مانند اسماعیل علیه السلام است [برای ابراهیم علیه السلام]، شبیه آنچه که از من پوشیده و پنهان است.
و اسماعیل علیه السلام ابراهیم علیه السلام را در ساخت کعبه یاری رساند
آن هنگام که رکن بنا شده آن را بلند و مرتفع می کرد.

ابیات فوق تداعی بخش آیه کریمه: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ (البقره: ۱۲۷) یعنی: «و (نیز به یاد آورید) هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند» است.

صَبْرُهُ إِذْ يُتَلُّ لِلذَّبِيحِ حَتَّى ظَلَّ بِالْكَبْشِ عِنْدَهَا مَقْدِيًّا

صبر علی علیه السلام چون صبر اسحاق علیه السلام است، زمانی که برای قربانی شدن بر خاک نهاده شد، ولی به عنوان فدیة او قوچی قربانی گشت.

ضمیر «هاء» در واژه «صبره» به اسحاق علیه السلام بر می گردد و این نشان می دهد که اسحاق، ذبیح در نظر گرفته است. در تفسیر اینکه مقصود از ذبیح یعنی «غلامِ حَلِيمٍ» کیست؟ میان علمای اهل سنت و شیعه اختلاف نظر وجود دارد. رای مشهور میان عالمان شیعه همواره آن بوده که ذبیح، اسماعیل علیه السلام است،^{۱۱} روایات وارد شده از اهل بیت علیهم السلام همه تصریح دارند بر اینکه ذبیح، اسماعیل علیه السلام بوده است و به



دلایل قرآنی و تاریخی این پندار که اسحاق علیه السلام ذبیح است اشتباه است.^{۱۲} همچنان در مصرع اول، جمله «کصبر اسماعیل» به قرینه لفظی و به دلیل اشتها حذف شده است. بیت مذکور الهام گرفته از مضمون این آیات کریمه است: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ... وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (الصافات: ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۷) یعنی: «هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: پسر من! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت! هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... وما ذبح عظیمی را فدای او کردیم». مفتح بصری شأن نزول آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾ (البقرة: ۲۰۷) یعنی: «برخی از مردم، جان خود را در قبال خشنودی خدا می‌فروشند» را درباره واقعه «لیلة المبيت» - شبی که علی علیه السلام در بستریامبر خوابید - می‌داند^{۱۳} و می‌گوید:

و كَذَا اسْتَسْلَمَ الْوَصِيُّ لِأَسِيَا
فَقَرِيشَ إِذْ بَيَّتُوهُ عَشِيًّا
فَوْقَى لَيْلَةَ الْفَرَّاشِ أَخَاهُ
بِأَبِي ذَاكٍ وَأَقِيًّا وَوَقِيًّا

علی علیه السلام خود را آماج شمشیرهای قریش قرار داد، آنگاه که آنها شبانه شبیخون زدند. در آن شب، او جان برادرش رسول خدا صلی الله علیه و آله را از مرگ نجات داد، پدرم فدای حفظ کننده [علی علیه السلام] و حفظ شونده [پیامبر صلی الله علیه و آله] باد! همچنین شاعر این آیه قرآنی را: ﴿قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (الصافات: ۱۰۲) یعنی: «گفت: پدر، هر آنچه را امر شده ای انجام ده، اگر خدا بخواهد مرا از صابران خواهی یافت» بدین صورت در بیت زیر آورده است:



كَانَ مِثْلَ الذَّبِيحِ فِي الصَّبْرِ وَ التَّسْوَى — لِيَمِ سَمْحًا بِالنَّفْسِ ثُمَّ سَخِيًّا

علی علیه السلام در صبر و تسلیم [در برابر رضای الهی] همچون ذبیح علیه السلام است، چرا که جانش را سخاوتمندانه هبه کرد.

شاعر می گوید:

كَانَ دَاوُدُ سَيْفَ طَالُوتَ حَتَّى هَزَمَ الْخَيْلَ وَ اسْتَبَاحَ الْعَدِيًّا

داود شمشیر طالوت بود تا اینکه لشکر دشمن را شکست داد و سواران را از میان برد.

که اشاره دارد به آیه شریفه: ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ﴾ (البقرة: ۲۵۱) یعنی: «سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و داود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود) جالوت را کشت.»

وی مفاد بیت زیر را:

أَنْبَأَ الْوَحْيُ أَنَّ دَاوُدَ قَدْ كَا نَ بِكَفِيهِ صَانِعًا هَالِكِيًّا

وحی خبر داد که داود علیه السلام با دستان خود زره می‌بافت.

با اقتباس از آیات: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ﴾ (الأنبياء: ۸۰) یعنی: «و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند» و همچنین: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ﴾ (سبأ: ۱۰ و ۱۱) یعنی: «و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویند! و آهن را برای او نرم کردیم. (و به او گفتیم: زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن!)» اخذ کرده است.

وَعَلَىٰ مِنْ كَسَبِ كَفِيهِ قَدْ أَعْتَقَ أَلْفًا بِذَاكَ كَانَ حَرِيًّا

و لَهُ الْحُكْمُ مِنْ سُلَيْمَانَ إِذْ كَانَعَلَىٰ مُوقِفًا أَلْمَعِيًّا



کَسَلِيمَانَ فِي الْغَنِيَمَاتِ وَالْحَرْثِ ثَبَفَهُمْ اَمْضَى بِهِ الْمَقْضِيَا

امام علی علیه السلام از دسترنج خود هزار برده را آزاد کرد، چرا که او شایسته این کار بود. او علیه السلام حکومت خود را از سلیمان نبی علیه السلام به امانت گرفته است، چرا که او موفق و تیز هوش بود.

مانند سلیمان علیه السلام در غنایم و زمینهای زراعتی حکم می راند، و این هم به خاطر درایت و فهمی بود که با آن، کارها را انجام می داد.

شاعر در ابیاتی که ذکر شد، دو آیه: ﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (الأنبياء: ۷۸ و ۷۹) یعنی: «و داود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می کردند و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری و علم فراوانی دادیم و کوهها و پرندگان را با داود مسخر ساختیم که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند و ما این کار را انجام دادیم!» را اقتباس کرده است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ (النساء: ۱۶۴) یعنی: «و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود)» و نیز: ﴿وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾ (مریم: ۵۲) یعنی: «ما موسی را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم و در راز گویان او را (به خود) نزدیک ساختیم». مفعول تحت تاثیر این آیات قرار گرفته و در بیان فضیلت علی علیه السلام می گوید:

كَانَ فِيهِ مِنَ الْكَلِيمِ خَلَالٌ
كَلَّمَ اللَّهُ لَيْلَةَ الطُّورِ مُوسَى
لَمْ يَكُنْ عَنْكَ عِلْمُهَا مَطْوِيًّا
وَاصْطَفَاهُ عَلَى الْأَنَامِ نَجِيًّا



خصلتهای موسی علیه السلام در علی علیه السلام وجود دارد، ویژگیهایی که آگاهی آن از تو پوشیده نیست.

خداوند شب هنگام در وادی طور با موسی علیه السلام سخن گفت و او را به عنوان راز دار برای مردم برگزید.

آیات شریفه: ﴿قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ﴾ (القصص: ۲۷) یعنی: «(شعیب) گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست» و ﴿فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ (القصص: ۲۹) یعنی: «هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده‌اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می‌روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله‌ای از آتش تا با آن گرم شوید!» در ابیات ذیل تجلی پیدا می‌کند:

و كَمَا آجَرَ الْكَلِيمِ شُعَيْبُ نَفْسُهُ فَاصْطَفَى فَتَى عَبْرِيَا
أَجْرُهُ أَنْ يُزِفَ إِنْ تَمَّ الْمِيءُ قَاتَ إِحْدَى ابْنَتَيْهِ مِنْهُ هَدِيَا
فَوْفَى بِالْآنَمِ مِنْ أَجْلِيهِ وَ رَأَهُ بِهَا مَلِيًّا وَفِيَا

و آنگونه که شعیب علیه السلام موسی علیه السلام را یاور خود قرار داد، و با این کارش جوانی هوشیار را برگزید.

پاداش موسی علیه السلام نیز این بود که چون زمان مقرر به اتمام رسد، با یکی از دو دختر شعیب علیه السلام ازدواج کند.



حضرت موسی علیه السلام به وعده خویش وفا کرد، و شعیب علیه السلام او را فردی مناسب و با وفا برای دخترش یافت.

شاعر در ابیات زیر، کردار علی علیه السلام و شرایط دشوار پیش آمده در زمان آن حضرت را با استفاده از آیات قرآن به رفتار موسی علیه السلام و حوادث دوران ایشان تشبیه می کند و می گوید:

حَرَقَ الْعِجْلُ ثُمَّ مَنَّ عَلَيْهِمْ إِذْ أَنَابُوا وَ أُمَّهَلَ السَّامِرِيَّ
وَ عَلِيٌّ فَقَدْ عَفَا عَنِ أَنَاسٍ شَرَعُوا نَحْوَهُ الْقَنَا الزَّاعِبِيَّ

موسی علیه السلام گوساله [سامری] را سوزاند و زمانی که قومش توبه کرد بر آنان منت نهاد و به سامری مهلت داد.

علی علیه السلام نیز از [خطای] گروهی که با او پیکار کردند و نیزه های زاعبی را به سوبش گرفتند، چشم پوشی کرد.

که اشاره دارد به برخی آیات قرآن، از جمله آیه: ﴿قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا﴾ (طه: ۹۷) یعنی: «(موسی) گفت: «برو [ای سامری]، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی با من تماس نگیر!» و تو میعادی (از عذاب خدا) داری که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که بیوسته آن را پرستش می کردی! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم!».

آیات شریفه: ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا﴾ (البقرة: ۶۰) یعنی: «و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن! ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید» و همچنین آیه ﴿وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا



إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبُهُمْ ﴿الأعراف: ١٦٠﴾ یعنی: «ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت» در ابیات ذیل اینگونه تجلّی یافته است:

و لَهُ مِنْهُ إِذْ عَلَا الْحَجَرَ الصَّلَا — دَبِضْرَبٍ فَانْبَطَ الْمَاءُ رِيًّا
فَجَرَى بِالْعَيْنِ عَشْرًا وَ ثِنْتِيًّا — نِ وَ أَتَى لِكُلِّ عَيْنٍ أُتِيًّا

او علیه السلام مانند موسی علیه السلام است، آن هنگام که ضربه ای به صخره سخت زد، و آن را بالا برد، پس آب فراوانی از آن جوشید.

دوازده چشمه از آن صخره جاری شد و از هر چشمه ای، آب مسیر خود را هموار ساخت.

حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله درباره فضیلتی از فضایل علی علیه السلام نقل شده که آن حضرت را هدایت کننده امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند: «از ابن عَبَّاس روایت شده که گفت: هنگامی که آیه شریفه ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (الرعد: ٧) یعنی: «تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، ایشان فرمودند: من انذار دهنده ام و علی هدایت کننده امت و به وسیله تو ای علی، هدایت یافتگان هدایت می‌یابند»^{۱۴} همانگونه که ذکر شد این حدیث در تفسیر آیه هفتم سوره رعد ایراد شده است. مفعول نیز مطلب فوق را استفاده می‌کند و می‌گوید:

فَهَادَاهُ بِمِنَّةِ اللَّهِ لِلْحَقِّ ق وَ قَدْ كَانَ هَادِيًّا مَهْدِيًّا

پس علی علیه السلام آن راهب را با منت خداوند، به حق هدایت کرد



در حالی که امام علیه السلام هدایت کننده و هدایت شونده است.

إِنَّ هَارُونَ كَانَ يَخْلِفُ مُوسَى وَ كَذًا اسْتَخْلَفَ النَّبِيُّ الْوَصِيًّا

هارون علیه السلام جانشین موسی علیه السلام شد،

و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان وصی خود برگزید.

بیت فوق به آیه ۱۴۲ سوره اعراف اشاره دارد که می فرماید: ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ یعنی: «موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!»

شاعر در ادامه قصیده می گوید:

و كَمَا اسْتَضَعَفَ الْقَبَائِلُ هَارُوَ نَ وَ رَأْمُوا لَهُ الْجِمَامَ الْوَحِيًّا

نَصَبُوا لِلْوَصِيِّ كَيْ يُقْتَلُوهُ وَ لَقَدْ كَانَ ذَا مَحَالٍ قَوِيًّا

لَمْ يَعِبْ مَا أَتَى أَوْلِيكَ هَارُوَ لَمْ يَعِبْ مَا أَتَى أَوْلِيكَ هَارُوَ

إِنَّمَا الْعَيْبُ لِلَّذِي تَرَكَ الْحَقَّ قَ عِنَادًا وَ كَانَ عَنْهُ بَطِيًّا

و آنچنانکه قبیله های بنی اسرائیل، هارون علیه السلام را ناتوان شمردند و مرگ زود هنگام او را قصد کردند.

افرادی را برای قتل جانشین موسی علیه السلام منصوب کردند، در حالی که او توانا و قوی بود.

آنچه را بر هارون علیه السلام و بر جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله خرده می گیرند، عیب نیست. بی گمان عیب برای کسی است که حق را به خاطر دشمنی رها و در آن سستی نمود.

که به آیاتی که به داستان قوم یهود در به قتل رساندن حضرت هارون علیه السلام در غیاب حضرت موسی علیه السلام، هنگامی که آن حضرت به کوه طور رفته بود، اشاره دارد. زمانی که میعاد حضرت موسی علیه السلام با پروردگارش بطول انجامید، مردم به



گوساله پرستی روی آوردند و حتی قصد قتل هارون علیه السلام را نیز نمودند و موسی پیامبر را متهم ساختند که او را با زهر کشته است.^{۱۵}

كَفَّلَ اللَّهُ ذَاكَ مَرْيَمَ إِذْ كَانَتْ تَقِيًّا وَكَانَ بَرًّا صَفِيًّا
وَرَأَى عِنْدَهَا وَقَدْ دَخَلَ الْمِحْرَابَ مِنْ ذِي الْجَلَالِ رِزْقًا هَنِيئًا

خداوند بلند مرتبه، زکریا علیه السلام را کفیل و سرپرست مریم علیه السلام قرار داد، زیرا که او پرهیزگار و نیکوکار برگزیده بود.

وقتی زکریا علیه السلام به محراب وارد شد، نزد مریم علیه السلام رزقی گوارا و پاک از جانب خداوند مشاهده کرد.

در این ابیات، آیات: ﴿وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا وَبَرًّا بوالديه وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ (مریم: ۱۳ و ۱۴) یعنی: «و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او [زکریا] بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)، و او پرهیزگار بود و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود، و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود» و ﴿وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران: ۳۷) یعنی: «و کفالت او [مریم] را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد» که اشاره به کفالت مریم توسط زکریا علیه السلام و صفات آن پیامبر بزرگوار و داستان رزق آسمانی دارد، تضمین شده است.

كَانَ لِلأُمَّةِ الضَّعِيفَةِ كَهْفًا كَافِلًا إِنْ ضَاعَ رَاعٍ رَعِيًّا

علی علیه السلام برای امت ضعیف، چونان پناهگاه و کفیل بود، اگر حاکمی، حق رعیتی را ضایع می‌کرد.



این بیت به دستگیری حضرت علی علیه السلام از ضعیفان و نیازمندان، حتی در زمان ولایت و فرمانروایی ایشان بر جامعه اسلامی، اشاره می‌کند که این امر، «آیه اطعام» و مورد‌های متعددی از این قبیل را به ذهن انسان متبادر می‌سازد: ﴿وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا﴾ (انسان: ۸ و ۹) یعنی: «و برای دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر، طعام می‌دهند، (گویند) ما فقط بخاطر خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداشی و هیچگونه سیاسی نمی‌طلبیم».

لَمْ يَكُ أَمْرُهُ بِدَوْحَاتِ حِمٍّ	مُسْكَالًا عَنِ سَبِيلِهِ مَلُويًا
نَصَبَ الْمُرْتَضَىٰ لَهُمْ فِي مَقَامٍ	لَمْ يَكُنْ خَامِلًا هُنَاكَ دَيْتِيًّا
عَلَمًا قَائِمًا كَمَا صَدَعَ الْبَدَّ	رُلْتِمَّ دَجْنَةً أَوْ دَجِيًّا
قَالَ هَذَا مَوْلَىٰ لِمَنْ كُنْتُ مَوْلَا	هُ جِهَارًا يَقُولُهَا جَهْوَرِيًّا
وَالِ يَا رَبِّ مَنْ يُوَالِيهِ وَ انْصُرْ	هُ وَ عَادِ الَّذِي يُعَادِي الْوَصِيًّا
إِنَّ هَذَا الدُّعَا لِمَنْ يَتَعَدَّى	رَاعِيًّا فِي الْأَنَامِ أَمْ مَرَعِيًّا

فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم [برای جانشینی علی علیه السلام] مشکل نبود بلکه امری آشکار بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برای مردم در جایگاهی منصوب کرد، که در آنجا انسان کُند ذهن و حقیری نیست.

او چونان کوهی پا بر جا بود، همچنان که ماه در تاریکی تمام، نمایان می‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار و با صدای بلند فرمود: این علی علیه السلام سرور هر کسی است که من سرور او بوم.

پروردگارا، آن کس که او را یاری کند یاری کن و با آن کس که با جانشین من دشمنی ورزد دشمن باش. این دعا شامل کسی است که حاکم مردم یا از رعیت باشد.



ابیات مذکور اشاره دارد به «حدیث متواتر غدیر» و یا همان «حدیث ولایت» که بسیار مشهور و معروف و معتبر است و با اسناد و الفاظ مختلف روایت شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ» منابع و اسناد واقعه غدیر یا بخش هایی از آن در ۱۱۰ کتاب معتبر ادبی، تاریخی، تفسیری، حدیثی، جغرافیایی، فقهی، و تراجمی اهل سنت ذکر گردیده، که در کتاب الغدیر علامه امینی به اسامی این کتب و ارجاعات آن، اشاره شده است.^{۱۶}

همچنین شانزده منبع حدیثی و تفسیری اهل تسنن، درباره نزول آیه کریمه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة: ۳) یعنی: «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» در شأن علی علیه السلام اتفاق نظر دارند؛ که بنا بر عقیده تعدادی از این منابع، آیه فوق پس از واقعه غدیر نازل شده است.^{۱۷}

كَانَ كَالْعَالِمِ الَّذِي أَدَّ مُوسَىٰ عِلْمَهُ إِذْ رَأَى الْبَيَانَ ضَوِيًّا

علی علیه السلام مانند آن عالم [خضر علیه السلام] بود، که علمش را برای موسی علیه السلام به جا آورد، آن زمان که سخن را ناتوان دید.

در این بیت، میان علم حضرت علی و خضر نبی علیه السلام قرابت و تشبیه برقرار شده است. شاعر معتقد است که مَثَل علم علی علیه السلام در قیاس با علم امت پیامبر صلی الله علیه و آله مانند مَثَل علم موسی در قیاس با علم خضر علیه السلام است. این مضمون از آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف اقتباس شده است.

وَ إِذَا ارْتَأَشَ وَ الْبُتُولَ وَ نَجْلًا
هُ مَعَ الْمُصْطَفَى الْكِسَا الْحَضْرَمِيًّا

و آن هنگام که علی و فاطمه بتول و دو فرزندش علی علیه السلام با محمد مصطفی صلی الله علیه و آله کسای حضرمی را بر خود انداختند.



بیت فوق به شأن نزول «آیه تطهیر»: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) یعنی: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» اشاره دارد.^{۱۸}

و بِهِمْ بَاهِلَ النَّبِيِّ فَحَازُوا شَرَفًا يَتْرُكُ الرَّقَابَ حَيًّا

و پیامبر صلی الله علیه و آله همراه آنان مباحله کرد،

پس شرافتی بدست آورد که گردنها در مقابل آن خم می‌شود.

شاعر در این بیت به «واقعه مشهور مباحله» که آیه ۶۱ آل عمران دال بر آن است: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱) یعنی: «هرگاه بعد از علم و دانش که [درباره مسیح] به تو رسیده [باز] کسانی به ستیز با تو برخیزند، به آنها بگو: بیایید فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را بخوانیم، آنگاه مباحله می‌کنیم و نفرین ایزد را بر دروغگویان قرار دهیم» اشاره می‌کند. در شأن نزول این واقعه عظیم به تواتر از ۵۱ طریق روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را با خود همراه کرد و فرمود: «بار الها، اینان اهل بیت من هستند»^{۱۹}

نتیجه

چنانکه به صورت اجمال گذشت از ابیات مذکور قصیده الاشباه مفتح بصری واضح می‌گردد که شاعر به گونه‌های مختلف متأثر از آیات قرآن کریم بوده و الفاظ متقن و مفاهیم عمیق و والای قرآن با انگیزه بیان عقاید شیعی او در قصیده اش متجلی شده است. گرچه شاعر در غالب فنون شعری زبر دست است؛ اما شهرت وی به خاطر همین



قصیده است که بالطبع یکی از دلایل اهمیت آن، بهره‌گیری از دستمایه‌ها و مفاهیم قرآنی است.



۱. یاقوت حموی، امام شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی معجم الأدباء (إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب)، ۲۳۳۶/۵-۲۳۴۴.
۲. نجاشی، شیخ ابوالعباس احمد بن علی اسدی کوفی، الرجال (فهرست أسماء مصنّفی الشيعة)، ۳۷۴.
۳. یاقوت حموی، امام شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی معجم الأدباء (إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب)، ۲۳۳۷/۵.
۴. ذهبی، حافظ مورخ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ۶۴۷/۲۳.
۵. یاقوت حموی، امام شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی معجم الأدباء (إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب)، ۲۳۳۶/۵.
۶. شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربی (العصر العباسی الأول)، ۲۶-۳۳.
۷. امینی، علامه عبدالحسین احمد نجفی، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، ۳۵۴/۳-۳۶۶.
۸. حسکانی، حافظ ابوالقاسم عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت ۱۹۹۰، ۴۵۹/۲-۴۷۴؛ نک: ریشه‌ری، محمد، موسوعة الإمام علی بن أبی طالب فی الكتاب و السنة و التاريخ، ۳۰/۸-۳۲.
۹. حسکانی، حافظ ابوالقاسم عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت ۱۹۹۰، ۴۰۰/۱-۴۰۵؛ قرطبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، ۳۳۶/۹.
۱۰. نک: ریشه‌ری، محمد، موسوعة الإمام علی بن أبی طالب فی الكتاب و السنة و التاريخ، ۱۶/۸-۲۰.
۱۱. جهت اطلاع بیشتر نک: دایرة المعارف قرآن کریم، ۵۳۱/۱، انتشارات دفتر تبلیغات، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
۱۲. نک: الرأى الصحيح فی من هو الذبیح، عبدالحمید فراهی؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، اسماعیل علیه السلام، فرامرز حاج منوچهری، شماره مقاله ۳۴۶۳.
۱۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الكبرى، ۵۲/۸ و ۲۲۳.
۱۴. طبری، امام ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۵۷/۱۶.
۱۵. حلبی، علی بن برهان الدین شافعی، السیرة الحلیبة النبویة (إنسان العیون فی سیرة الأئمة المأمون)، ۱۸۷/۲ و ۱۲۲/۳.
۱۶. امینی، علامه عبدالحسین احمد نجفی، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، ۱۴-۱۷۸.



۱۷. همان، ۲۳۰/۱-۲۳۸.

۱۸. طبرانی، حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۱۹۸۳، ۵۲/۳ و ۵۳ و ۵۵ و ۲۵/۹ و ۹۷/۱۲ و ۲۴۹/۲۳ و ۲۸۶ و ۳۲۷ و ۳۳۳.
۱۹. ابن حنبل، امام ابو عبدالله احمد بن محمد شیبانی، فضائل الصحابة، ۵۷۸/۲.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن حنبل، امام ابو عبدالله احمد بن محمد شیبانی (ف ۲۴۱هـ)، فضائل الصحابة، ۲ جلد، ج ۲، حقه و خرج أحاديثه: وصی الله بن محمد عباس، دار العلم، السعودية، ط ۱، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع (ف ۱۶۸هـ)، الطبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، بدون تاريخ.
۴. امینی، علامه عبدالحسین احمد نجفی (ف ۱۳۹۰هـ)، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، ۱۱ جلد، دار الكتاب العربي، بيروت، ط ۴، ۱۳۹۷هـ/۱۹۷۷م.
۵. حسکانی، حافظ ابوالقاسم عبيدالله بن احمد (ف ۴۹۰هـ)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فی الآيات النازلة فی أهل البيت، ۲ جلد، ج ۱ و ۲، تحقيق و تعليق: شيخ محمد باقر محمودی، ط ۱، طهران، مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۰م.



۶. حلبی، علی بن برهان الدین شافعی (ف ۱۰۴۴هـ)، السیرة الحلبیة النبویة (إنسان العیون فی سیرة المؤمن المأمون)، ۳ جلد، دار المعرفة، بیروت، بدون تاریخ.
۷. ذهبی، حافظ مورخ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (ف ۷۴۸هـ)، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق: د. عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ط ۱، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.
۸. ریشهری، محمد، موسوعة الإمام علی بن أبی طالب فی الكتاب و السنة و التاريخ، ۱۲ جلد، بمساعدة: محمد کاظم الطباطبائی و محمود الطباطبائی، قم، دار الحدیث، ط ۲، ۱۴۲۵هـ.
۹. شوقی ضیف (ف ۱۴۲۶هـ)، تاریخ الأدب العربی (العصر العباسی الأول)، القاهرة، دار المعارف، ط ۱۶، ۲۰۰۴م.
۱۰. طبرانی، حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد (ف ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبد المجید سلفی، مكتبة العلوم و الحكم، الموصل، ط ۲، ۱۴۰۴هـ/۱۹۸۳م.
۱۱. طبری، امام ابو جعفر محمد بن جریر (ف ۳۱۰هـ)، جامع البیان فی تأویل القرآن (تفسیر الطبری)، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، ط ۱، ۱۴۲۰هـ/۲۰۰۰م.



۱۲. قرطبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (ف ۶۷۱هـ)، تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، تحقیق: هشام سمیر بخاری، دار عالم الکتب، الرياض، ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۳ م.

۱۳. نجاشی، شیخ ابوالعباس احمد بن علی اسدی کوفی (ف ۴۵۰هـ)، الرجال (فهرست أسماء مصنّفی الشيعة)، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، بدون تاریخ.

۱۴. یاقوت حموی، امام شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی بغدادی (ف ۲۲۶هـ)، معجم الأدباء (إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب)، تحقیق: د. احسان عباس، ۷ جلد، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ط ۱، ۱۹۹۳ م.

